

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره سوم (پیاپی ۱۱) پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۶۲۵-۱۶۰۰

### بررسی تطبیقی تابعیت مضاعف در قانون فدراسیون روسیه و ایران و راه‌های کسب آن<sup>۱</sup>

مونا انوری<sup>۱</sup>

سید مرتضی قاسم زاده زاویه<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۰

علیرضا ظاهری<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲

### چکیده

یکی از موضوعات بحث برانگیز حقوق بین‌الملل که در روابط دولتها با اتباع کشورهای بیگانه هنگام طرح دعاوی بین‌المللی ظاهر می‌شود، تابعیت مضاعف است که به دلایل حقوقی و سیاسی و اجتماعی مختلفی بروز پیدا کرده و موجب مشکلاتی در رابطه تبعه با دولت و دولت‌ها با یکدیگر می‌شود. از این رو پژوهش حاضر که در صدد « بررسی تطبیقی تابعیت مضاعف در قانون فدراسیون روسیه و ایران و راه‌های کسب آن » است پس از بسط فضای مفهومی موضوع تحقیق به بررسی تابعیت مضاعف و راه‌های کسب آن می‌پردازد. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که: «در نظام حقوقی روسیه تابعیت مضاعف به رسمیت شناخته شده است که به عنوان پیامد اجتناب‌ناپذیر جانشینی روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است و از طریق امضای قراردادهای بین‌المللی مشروعیت پیدا می‌کند و قانون فدراسیون روسیه راه‌های مختلفی برای کسب آن مشخص نموده است در حالی که ایران تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد

۱- گروه حقوق ، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی ، جزیره کیش ، ایران ،

Email: mona.anvari90@yahoo.com

۲- استادیار گروه حقوق ، واحد بین المللی کیش ، دانشگاه آزاد اسلامی ، جزیره کیش ، ایران (نویسنده مسئول) ، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب) ، دکتری حقوق خصوصی ، گروه حقوق ، واحد تهران جنوب ،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Email: [slayed.m.qasemzadeh@gmail.com](mailto:slayed.m.qasemzadeh@gmail.com)

۳- استادیار گروه حقوق ، واحد بین المللی کیش ، دانشگاه آزاد اسلامی ، جزیره کیش، ایران ( عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز)، گروه حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ،

Email : azaheri878@gmail.com, ایران

اما با جمع کثیری از دو تابعیت‌ها روبه‌رو است و راهکار حقوقی مناسبی برای این موضوع ندارد»

**کلید واژه‌ها:** تابعیت، تابعیت مضاعف، حقوق روسیه، حقوق ایران

#### مقدمه

مسئله تابعیت از گذشته‌های دور مطرح بوده اما از زمان پیدایش دولت‌های مدرن اهمیت بیشتری پیدا کرده و چالش‌هایی در اجرای آن به وجود آمده است، تابعیت رابطه سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مربوط می‌کند.<sup>۲</sup> که در فرهنگ حقوق بین‌الملل آمده است: «تابعیت، رابطه حقوقی میان فرد و یک دولت است» (www.henleyglobal.com). تابعیت، تأمین‌کننده حمایت دولت از فرد بوده و حقوق و تکالیف خاصی را برای او به همراه دارد. همزمان با مسئله تابعیت بحث مسائل تابعیت مضاعف نیز مطرح بوده است. عدم رعایت اصل وحدت تابعیت (اصل دوم از اصول تابعیت) منجر به ایجاد معضل تابعیت مضاعف می‌شود. (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۴: ۳۶) این نوع تابعیت به این دلیل به وجود می‌آید که دولت‌ها حق دارند شرایطی را که به موجب آن یک فرد جزء اتباع آنان می‌شود، مشخص کنند. تابعیت مضاعف شاید در نگاه اول فریبنده باشد چراکه به افراد امکان می‌دهد تا برای به دست آوردن روادید و گذرنامه از میان چند کشور دست به انتخاب بزنند اما واقعیت کاملاً متفاوت است چون تابعیت در عین داشتن حقوق یا مزایا، تکالیف و تعهداتی را نیز بار می‌کند. (بلدسو، رابرت، ۱۳۷۵: ۱۵۷) تابعیت مضاعف یا چندگانه وضعیت شخصی است که همزمان تابعیت دو یا چند کشور را دارد. تابعیت مضاعف در واقع به معنای جمع شدن دو تابعیت یا بیشتر در شخص می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۱۰۹) پس در عین آنکه تابع دولتی هستند دولت دیگر نیز آن‌ها را تابع خود می‌داند. (خلعتبری، ۱۳۱۶: ۲۳) دولت‌ها در گذشته تابعیت مضاعف را غیر قابل پذیرش می‌دانستند زیرا در سال‌های دور به علت تعهدات مربوط به خدمت نظامی و همچنین درگیری‌های نظامی مکرر میان کشورها، یک فرد تنها می‌توانست به یک کشور وفادار باشد و تابعیت آن را اخذ نماید. همانطور که جریمیا سولیوان<sup>۳</sup>، دادستان عمومی ایالات متحده در سال

<sup>۲</sup> Trend toward Dual Nationality, in RIGHTS AND DUTIES, supra note ۲۰, at ۳, ۶

<sup>۳</sup> Jeremiah Sullivan

۱۸۵۹ تأکید کرده است، هیچ دولتی نباید به شهروندان خود اجازه دهد که وفاداری و تابعیت خود را با کشور دیگری تقسیم نماید زیرا همگان می‌دانند که یک فرد نمی‌تواند به دو ارباب خدمت کند.

از این رو می‌توان یکی از موضوعات بحث برانگیز حقوق بین‌الملل که در روابط دولتها با اتباع کشورهای بیگانه هنگام طرح دعاوی بین‌المللی ظاهر می‌شود، تابعیت مضاعف دانست که برای تبعه داشتن بیش از یک تابعیت وضعیتی استثنایی و غیر عادی به وجود آورده و بحث انجام تکالیف تبعه نسبت به یک یا چند دولت و بهره‌مندی از حقوق و مزایای اتباع دو یا چند دولت به ویژه حمایت سیاسی را مطرح می‌نماید (نصیری، ۱۳۷۵: ۱-۲/ ۲۹۱). به طور کلی مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع حاضر نشان می‌دهد که کارهای انجام شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به موضوع تابعیت و تابعیت مضاعف توجه داشته‌اند.

دوروتا پودزیانوسکا (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان: «پیچیدگی‌های تحلیل تابعیت مضاعف»<sup>۴</sup>، نگارنده ابتدا ضمن بررسی مسئله تابعیت و ارتباط این موضوع با تابعیت مضاعف بحث پیچیدگی‌های حقوقی تابعیت دوگانه را مورد مطالعه قرار می‌دهد. یوسی‌هارپاز<sup>۵</sup>، (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان: «تابعیت مضاعف: تابعیت دوگانه به عنوان استراتژی پیشرفت جهانی»<sup>۶</sup> نگارنده ضمن توجه به موضوع تابعیت مضاعف و ارائه تعارف و ویژگی‌های آن عقیده دارد که تابعیت مضاعف می‌تواند در پیشرفت جهان موثر واقع گردد. نگارنده هدف از مقاله خود را معرفی یک رویکرد جدید به بررسی نابرابری جهانی و تأثیر آن بر ارزش تابعیت می‌داند. زهرا باهری و افشانه عطار (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان: «بررسی آثار تابعیت مضاعف و راه‌های پیشگیری از آن»<sup>۷</sup>، ابتدا تابعیت و تابعیت مضاعف را بررسی نموده و در ادامه به بررسی تعارضات آن می‌پردازند و تعارضات تابعیت مضاعف را در دو قالب مثبت و منفی آن بررسی می‌کنند. سید محسن شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان: «حقوق بین‌الملل خصوصی»<sup>۸</sup>، ضمن بررسی تابعیت مضاعف از زوایای متعدد و دلایل موثر بر ایجاد تابعیت به این موضوع می‌پردازد که اشخاصی که بدون اطلاع کشورهای متبوع خود، تابعیت جدیدی را

<sup>۴</sup> The Complexities of Dual Citizenship Analysis

<sup>۵</sup> Dorota Pudzianowska

<sup>۶</sup> Yossi Harpaz

<sup>۷</sup> Compensatory Citizenship: Dual Nationality as a Strategy of Global Upward Mobility

تحصیل می‌نمایند، موجب می‌گردند که تابعیت مضاعف پیدا نمایند. وی در ادامه با ذکر مثالی در ماده ۹۸۸ قانون مدنی ایران و خروج از تابعیت ایران، بررسی می‌کند هر شخصی که اقدام به اخذ تابعیت جدید کشوری بیگانه نماید، معضل تابعیت مضاعف ایجاد می‌شود. وی در ادامه متون حقوقی ایران و دلایل عدم پذیرش تابعیت (مضاعف) در حقوق ایران می‌پردازد. **زهرا باهری و افشانه عطار (۱۳۹۳)**، در پژوهشی با عنوان: «بررسی آثار تابعیت مضاعف و راه‌های پیشگیری از آن»؛ ابتدا تابعیت و تابعیت مضاعف را بررسی نموده و در ادامه به بررسی تعارضات آن می‌پردازند و معتقدند که شکل‌گیری تابعیت مضاعف در بستر تاریخ خود سبب شکل‌گیری تعارضاتی در قوانین کشورها شده است. آنها در مقاله خود و در ادامه بحث تعارضات تابعیت مضاعف را در دو قالب مثبت و منفی آن بررسی می‌کنند. همچنین آنها به اصولی که در خصوص تابعیت در کشورها یعنی اصل تابعیت واحده و اصل تغییرپذیری تابعیت می‌پردازند. **نصیری، محمد؛ (۱۳۷۲)** در کتابی با عنوان: «حقوق بین الملل خصوصی» نگارند در اثر خود دلایل شکل‌گیری تابعیت مضاعف را مورد بررسی قرار داده ضمن اشاره به دو سیستم خاک و خون معتقد است. این اثر از این حیث دارای اهمیت است که تابعیت را از منظر سیستم حقوقی خاک و خون بررسی نموده و دلایل موثر بر شکل‌گیری آن را بیان می‌کند. **سادابسکایا (۲۰۱۷)** در مقاله‌ای با عنوان: «وضعیت تک تابعیتی و چند تابعیتی در حقوق ملی و بین‌المللی» ابتدا تلاش دارد تا دلایل شکل‌گیری تابعیت مضاعف در دو سطح ملی و بین‌المللی در کشور اوکراین را بررسی نماید نگارنده دلیل اهمیت مقاله خود را موضوع تابعیت مضاعف و درگیر شدن کشورها و خصوصا کشور اوکراین با این موضوع می‌داند. **اکسنو. اف (۲۰۱۴)** در مقاله‌ای با عنوان: «تابعیت مضاعف و مشکلات امنیت ملی؛ قوانین فدراسیون روسیه» ابتدا ضمن توجه کلی قوانین کشورها به تابعیت مضاعف در راستای حمایت از امنیت ملی خود در ادامه به بررسی و تحلیل حقوقی و هنجاری قوانین روسیه در خصوص تابعیت مضاعف می‌پردازد. و در نهایت تلاش دارد تا چشم‌انداز قوانین روسیه در خصوص تابعیت مضاعف را در اسناد حقوقی بین‌المللی مقایسه نماید. بررسی پیشینه‌های پژوهش نشان می‌دهند که مقاله مذکور از جنبه‌های مختلف دارای نوآوری می‌باشد از جمله: **اولا؛** در خصوص پیشینه تحقیق در مورد تابعیت مضاعف در روسیه و تطبیق آن با ایران می‌توان بیان داشت که هیچ منبع یا مقاله و کتابی در این خصوص به زبان فارسی نوشته نشده است و یا به عبارت دیگر مفهوم تابعیت در روسیه را

مورد بررسی قرار نداده‌اند لذا در این خصوص ما با ادبیات ضعیف و یا کمبود پیشینه روبه‌رو هستیم که این پژوهش تلاش دارد تا این کمبود را جبران نماید لذا دارای نوآوری خواهد بود. **ثانیا؛** در این پژوهش دلایل شکل‌گیری وضعیت واقعی افراد دو ملیتی در نتیجه تعامل همراه با درگیری قوانین کشورهای مختلف، از جمله افرادی که هر دو ملیت روسی و کشور خارجی دیگر را دارا می‌باشند، شناسایی می‌شود. با ارائه توضیحات فوق اکنون می‌توان دلایل اهمیت و ضرورت بررسی این مقاله را در این دانست که عمده تحقیقات پژوهشی صورت گرفته در این حوزه بیشتر مقایسه تطبیقی تابعیت مضاعف در ایران با کشورهای غربی بوده است که این موضوع ناشی از نزدیکی قانون ایران در بعد کلی با قوانین این کشورها می‌باشد لذا بررسی احکام و آثار تابعیت مضاعف در روسیه موضوعی بسیار مهم و به نوعی حائز اهمیت می‌باشد چرا که در این زمینه تحقیقات اندک و محدود است علاوه بر آن در زمان قبل از انقلاب اسلامی و تحت تاثیر جریان چپ بسیاری از چپی‌های ایران به اتحاد جماهیر شوروی و قفقاز مهاجرت کرده و به نوعی دارای تابعیت دوگانه می‌باشد اخیرا نیز متاثر از گسترش روابط ایران و روسیه نقل و انتقالات بین دو کشور بسیار گسترده شده که از جمله تبعات آن ازدواج‌ها و مواردی از جمله اقامت در کشور روسیه از سوی ایرانیان است لذا موارد فوق دلایل انتخاب موضوع و همچنین اهمیت و ضرورت این مقاله را نشان می‌دهند. لذا این مقاله درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها است که: راه‌های کسب تابعیت مضاعف در حقوق روسیه و ایران کدامند؟ چه تحولی در قانون فدراسیون روسیه در راستای تابعیت مضاعف مشاهده می‌شود؟

### تابعیت مضاعف در روسیه و ایران

در حقوق بین‌الملل و قوانین روسیه، مفهوم "تابعیت مضاعف" به این معنی است که شخص به طور همزمان دارای تابعیت (تابعیت) دو یا چند کشور است. منبع تابعیت مضاعف، به طور معمول، در قوانین داخلی هر یک از این دو کشور نهفته است. تابعیت مضاعف در صورتی بوجود می‌آید که قانون شامل مجموعه‌ای کامل از محدودیت‌ها نباشد که از وقوع آن جلوگیری می‌کند. برای جلوگیری از تابعیت مضاعف، حداقل باید سه مسئله محدود کننده در قانون حداقل یکی از این دو کشور وجود داشته باشد:

الف- انصراف از تابعیت قبلی به عنوان شرط اخذ تابعیت "خود".

ب- پایان دادن به تابعیت "خود" در نتیجه به دست آوردن تابعیت دیگر.

ج- عدم اعطای تابعیت "خود" از طریق تولد، اگر کودک از بدو تولد تابعیت یک کشور خارجی را بدست آورد.<sup>۸</sup>

اما در ایران براساس اصل ۴۱ قانون اساسی تابعیت ایرانی هر فرد تبعه ایران که تابعیت کشور دیگری را بپذیرد سلب خواهد شد. ماده ۹۸۹ قانون مدنی ایران تصریح دارد که اخذ تابعیت کشور دیگر از سوی اتباع ایران که بر خلاف مقررات صورت بگیرد پذیرفته نیست و آن فرد همچنان تبعه ایران محسوب می شود اما حق مالکیت اموال منقول و استخدام در دولت ایران از او سلب خواهد شد (مورد خاوری مدیر عامل سابق بانک ملی ( اخذ تابعیت کشورهای دیگر برای اتباع ایران منوط به رعایت مقررات قانونی است و این مقررات در ماده ۹۸۸ قانون مدنی آمده است). (در حقیقت اخذ و کسب تابعیت بیگانه منوط به لغو یا ترک تابعیت ایرانی است)

### سیر تاریخی - حقوقی تحول در نظام تابعیتی روسیه و ایران

تابعیت و تبعیت در طول امپراطوری روسیه و در روند تاریخی آن به عنوان مشخصه‌ای از دولت قدیمی موجود در این کشور می باشد. اصطلاح تبعیت در قانون و ادبیات امپراطوری روسیه تا سال ۱۹۱۷ رایج بود. در مفاد ماقبل انقلابی روسیه، تبعیت و شهروندی باید به عنوان اصطلاحات متفاوت در نظر گرفته می شد. این نتیجه‌گیری بر این حقیقت ساده استوار است که تا پایان قرن ۱۸، تبعیت، احساس تعلق مطلق فرد به تزار روسی را داشت. ۱۹۰۹: "من (Gessen ۲۰۳) که به وسیله سوگند اشخاص دارای تابعیت از روسیه اثبات می شود: "من تحت عنوان شخص سابق، قول می دهم و قسم می خورم به خداوند قادر مطلق، که یک برده راستین، خوب و مطیع و یک مطیع ابدی به همراه خانواده‌ام باشم و قول می دهم به خارج از کشور نروم و هیچ خدمت بیگانه‌اری را نپذیرم." سوگند به تبعیت از روسیه تا سال ۱۷۹۶ زمانی که کلمه "برده" از متن حذف شد، بدون تغییر باقی ماند. قبل از قرن شانزدهم، هیچ قانون یا مکانیسم تنظیم کننده‌ای در مورد تبعیت روسی نبود. از آن زمان نهایتاً سنت تنظیم شد که هم روسی بود و هم نبود. قانون نانوشته عمومی این بود که، اشخاصی که مسیحی

<sup>۸</sup> - **ДВОЙНОЕ ГРАЖДАНСТВО В РОССИЙСКОМ ЗАКОНОДАТЕЛЬСТВЕ (۲۰۱۲)**, [https://sapporo.mid.ru/doub\\_rus](https://sapporo.mid.ru/doub_rus)

شدند (تعمیم داده شدند)، به طور پیش فرض در مالکیت تبعیت روسی در نظر گرفته شدند. (Gessen: ۱۹۰۹: ۲۰۳) این دستورالعمل برای کسب تبعیت روسی تا زمان حکومت پیتر کبیر مورد استناد قرار می‌گرفت، کسی که پروسه قبول تابعیت را بوسیله سوگند در بالا ذکر شده برای رئیس کشور روسیه، اصلاح کرد. (Ivanovskii, ۱۹۱۰: ۱۲) تا اواسط قرن نوزدهم قانون روسیه هیچ نیازمندی درباره قبول تابعیت خارجی‌ها نداشت. خارجی‌ها می‌توانند به عنوان اشخاص روسی بوسیله تصمیم حکومت ایالتی بدون هیچگونه نیازمندی خاصی، قبول تابعیت شوند. تا سال ۱۷۲۱، تنها نیازمندی، یک سوگند بر تبعیت روسیه جاودانی بود. خارجی‌ها مجبور شدند حتی به زبان مادری‌شان سوگند یاد کنند. بنابراین، پیتر کبیر تغییرات اساسی در پروسه قبول تابعیت، از ارتدکس شدن به سوگند خوردن به امپراطوری روسیه ایجاد کرد. (Korkunov, ۱۹۰۸: ۲۷۱) در ۱۰ فوریه ۱۸۶۴ پروسه قبول تابعیت بوسیله یک مسئله به نام اقامت ۵ ساله در روسیه اصلاح شد. علاوه بر این، صلاحدید درباره قبول تابعیت، از مقامات محلی به وزیر داخلی امپراطوری روسیه تغییر یافت، که حق کاهش مدت زمان اقامت در روسیه را داشت. در مورد خارجی‌ها هم منوط به شرایط زیر شده که یک خدمت خاص برای روسیه انجام دهند، افراد با استعداد و یا نخبه باشند، توانایی‌های ویژه و یا دانش علمی داشته باشند، و آنها که سرمایه‌گذاری مالی در فعالیتهای سودمند اجتماعی در روسیه انجام دهند شد. یک نتیجه مهم از اصلاحات در سال ۱۸۶۴ این است که تمایز بین تبعیت موقت و دائم منسوخ شد. برخی تغییرات اعمال شده در متن سوگند برای قبول تابعیت در مورد تبعیت روسیه گرفته شد. با توجه به اصلاح تبعیت روسی، اصطلاحات "poddannyi" و "grazhdanin" نام‌های مختلف برای یک مفهوم مشابه شدند. (Eric, ۲۰۱۱: ۱۸)

این روند کماکان در تاریخ روسیه در حوزه تابعیت وجود داشت تا ۴ ژوئن سال ۲۰۱۴ توسط قانون فدرال شماره ۱۴۲ در ماده‌ی ۶ قانون "درباره‌ی شهروندی فدراسیون روسیه" تغییرات جدی ایجاد شد، که بر اساس آن اگر از شهروندان فدراسیون روسیه، به جز کسانی که به طور دائم ساکن خارج از روسیه هستند، بعضی توسط معاهده‌ی بین‌المللی یا قانون فدرال منظور نشده‌اند، لازم است در موعد مقرر وجود تابعیت دیگر یا سندی قانونی را که

<sup>۹</sup> - گرژدنین اصطلاحی روسی به معنای شهروند اطلاق می‌شود و از آنجا که شهروند و تابعیت همیشه همراه هم می‌آیند چرا که تابعیت را جزئی از حقوق شهروندی می‌دانند.

حق اقامت دائم در یک کشور خارجی را تأیید می‌کند، کتباً به مقامات دولتی مربوط اطلاع دهند. تأخیر در تهیه اطلاعات، و همچنین انتقال اطلاعات ناقص یا به طور آگاهانه نادرست، مجازات اداری را شامل می‌شود؛ پنهان کردن وجود تابعیت دیگر مسئولیت کیفری در پی خواهد داشت. (کارچنکوا، ۲۰۱۴: ۵)

تابعیت از لحاظ تاریخی در ایران بیشتر در زمینه‌ی حقوق شهروندان و غیر شهروندان وجود دارد چرا که رابطه نزدیکی بین آن‌ها وجود دارد. در ایران باستان، پیش از رسمی شدن آیین زرتشت، جز اراده شاه و امپراتور، چیز دیگری برای تعیین تابعیت حاکم نبوده و فرمان‌برداری از شاه و می‌توانست عامل پیوند فرد با دولت باشد ولی زمانی که آیین زرتشت، به‌عنوان دین رسمی ایران رسمیت یافت، پیروی از آیین زرتشت معیار تابعیت قرار گرفت و پیروان آیین زرتشت حتی اگر در قلمرو دولتی دیگر مقیم بودند احساس نوعی ارتباط و مسئولیت می‌نمودند که می‌توان این ارتباط را تابعیت به مفهوم امروزی نامید. اثر تابعیت، در ایام قدیم هنگام جنگ و پرداخت مالیات به دولت مشخص می‌شده است (آل کجیاف، ۱۳۹۰: ۴۱). در فارسی واژه تابعیت و مشتقات آن تا قرن دوازدهم فقط به معنای لغوی آن به کار می‌رفت و از مردم ایران حتی در روابط خارجی با عنوان «رعایای ایران» یاد می‌شد که بیشتر اصطلاحی بود مربوط به حقوق داخلی و رابطه دولت و مردم به‌ویژه در مفهوم گذشته دولت. (کجیاف، ۱۳۹۰، ۴۱). این موضوع در زمان قاجار نیز ادامه داشت تا زمان انقلاب مشروطیت. «دستخطی به تاریخ ۱۳۰۸ (هـ ق) از ناصرالدین شاه باقی است که به موجب آن کلیه زن‌های ایرانی که شوهر خارجی اختیار کرده باشند بعد از فوت شوهر باید به تبعیت دولت ایران شناخته شوند.» (مدنی، ۱۳۸۷، ۹۴). در اصل ۲۴ متمم قانون اساسی مشروطیت، مسأله تابعیت مطرح گردیده است. اصل ۲۴ متمم قانون اساسی مقرر می‌داشت «اتباع خارجه می‌توانند قبول تابعیت ایران را بنمایند. قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت به موجب قانون جداگانه است.» در سال ۱۳۰۴ (هـ ش)، هیئت دولت، لایحه قانون تابعیت، مشتمل بر ۱۰ ماده را برای تصویب به مجلس شورای ملی ارسال نمود ولی این لایحه مراحل تصویب را در مجلس طی نکرد (مدنی، ۱۳۸۷، ۹۵). تا سال ۱۳۰۸ (هـ ش)، اجرای قانون نامه تابعیت ادامه یافت (مرعشی، پیشین، ۲۳-۲۴). تا این که در تاریخ ۱۶ شهریور ماه ۱۳۰۸ (هـ ش)، قانون تابعیت مشتمل بر ۱۶ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید که مسائل مختلف تابعیت را دربر داشت و در ۲۹ مهر ماه ۱۳۰۹ (هـ



ش)، دو ماده دیگر به نام متمم قانون تابعیت تصویب گردید و مجموع این دو قانون، قانون اصول تابعیت ایران را تشکیل می‌دهد که تا سال ۱۳۱۳ (هـ ش) به مورد اجرا گذاشته شده است (مدنی، ۱۳۸۷، ۹۵). کتاب دوم از جلد دوم قانون مدنی ایران که مقررات تابعیت را در بر دارد در ۲۷ بهمن ۱۳۱۳، از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی راجع به موضوع تابعیت است. لذا با توجه به مطالب فوق می‌توان انواع تابعیت در ایران را به شرح زیر برشمرد. پس از انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۷۰ مواد ۹۸۰، ۹۸۲، ۹۸۷ و ۹۹۱ قانون مدنی اصلاح و تغییر پیدا نمود و ماده ۹۸۱ هم توسط کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی حذف گردید. قانونگذار، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، در اصول ۴۱ و ۴۲ در مورد این که تابعیت ایران حق مسلم هر شهروند ایرانی است، مورد توجه قرار داده است. اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» در اصل ۴۲ نیز آمده است: «اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد و یا خود آنها درخواست کنند.»

#### اقدامات قانونی ایران در برابر تابعیت مضاعف

**الف- از دست دادن تابعیت ایرانی در صورت اخذ تابعیت دیگر:** ایران با استناد به اعلامیه حقوق بشر که به این نکته اشاره شده است که فرد می‌تواند تابعیت یک کشور را داشته باشد و اگر بخواهد تابعیت کشور دیگری را کسب کند بایستی تابعیت قبلی خود را ترک کند و بعد از آن تابعیت جدید را کسب کند. پس در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم تابعیت مضاعف به رسمیت شناخته نشده است و در این اعلامیه به نوعی خود راه حلی را برای جلوگیری از تابعیت مضاعف ارائه داده است که اگر بخواهد تابعیت کشور جدیدی را کسب کند بایستی تابعیت قبلی خود را ترک کند. لذا در این راستا اصل چهارم و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از بی‌تابیتی مقرر می‌آورد: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» این موضوع در طرح پیش نویس قانون اساسی نیز در ابتدای اصل سی ام به این صورت ذکر شده بود «سلب

تابعیت اشخاص فقط در صورت ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد.» به نظر می‌رسد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۱ سلب تابعیت ایرانی را به عنوان مجازات برای شخص ایرانی که تحصیل تابعیت خارجی نموده، پیش بینی کرده است. اما تاکنون موردی از اجرای این اصل دیده نشده است، با این که تعداد ایرانیانی که تحصیل تابعیت خارجی کرده اند، کم نیست.<sup>۱۰</sup>

ب- کسب پست های کلیدی ممنوع است: داشتن تابعیت مضاعف از سوی جمهوری اسلامی جرم محسوب نمی گردد، ولیکن کسی که دارای تابعیت مضاعف است دارای محدودیت های تملیکی و سیاسی خواهد بود. ماده ۹۸۹ قانون مدنی ایران اشعار می‌دارد: هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و به علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود. همچنین ۲۵ دی ۹۰ طرح دوفوریتی در پی فرار یکی از متهمان اصلی پرونده فساد سه هزار میلیاردی از کشور با استفاده از تابعیت مضاعفش در صحن علنی مجلس مطرح شد. در صورت تصویب نهایی این طرح با اصلاح ماده ۹۸۲ قانون مدنی تصدی پست های مهم اطلاعاتی و امنیتی و اقتصادی برای کسانی که تابعیت مضاعف دارند ممنوع می شود. براساس ماده واحده این اصلاحیه عبارت "و اقتصادی" بعد از کلمه "امنیتی" در بند ۹ ماده ۹۸۲ قانون مدنی اضافه و یک تبصره به این ماده الحاق می شود.

#### اقدامات قانونی روسیه در برابر تابعیت مضاعف

محدودیت های اشخاص دارای تابعیت مضاعف در قوانین روسیه: در فدراسیون روسیه، که اجازه ی داشتن تابعیت کشور خارجی را به شهروندان می‌دهد (ماده ۶۲ قانون اساسی

۱۰- به نظر می‌رسد حذف ماده ۹۸۱ ق.م. در سال ۱۳۶۱ از یک سو به دلیل جلوگیری از سلب تابعیت و اثر سوی دیگری به دلیل مخالفت با اصل ۴۱ قانون اساسی صورت گرفته است.

فدراسیون روسیه)، برای چند تابعیتی‌ها محدودیت در اشغال پست‌های دولتی وضع شده است. در سال ۲۰۰۶، توسط قانون فدرال شماره‌ی ۱۲۸،<sup>۱۱</sup> در قانون اساسی فدراسیون روسیه "درباره‌ی امنیت"، در قوانین فدرال "درباره‌ی وضعیت عضو شورای فدراسیون و وضعیت معاون دوما‌ی دولتی مجمع فدرال فدراسیون روسیه"، "درباره‌ی اتاق حسابرسی فدراسیون روسیه" "درباره‌ی اصول کلی سازماندهی ارگان‌های قانونی (نمایندگی) و اجرایی مقام دولتی اشخاص فدراسیون روسیه"، "در مورد نظام تشکیل شورای فدراسیون مجلس فدرال فدراسیون روسیه"، "در مورد تضمین‌های اساسی حقوق انتخاباتی و حق شرکت در فراندوم شهروندان فدراسیون روسیه"، "در مورد انتخابات نمایندگان دوما‌ی دولتی مجمع فدرال فدراسیون روسیه"، "در مورد انتخاب رئیس جمهور فدراسیون روسیه"، "در مورد اصول کلی سازمان دهی دولت محلی در فدراسیون روسیه"، اصلاحاتی وضع شدند که مطابق با آن‌ها محدودیت‌هایی برای افراد دارای تابعیت دوگانه جهت اشغال پست‌های مربوطه‌ی دولتی و شهرداری اعمال شد. قانون فدرال ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۴، شماره ۷۹ "در مورد خدمات مدنی فدراسیون روسیه" (با اصلاحیه‌ای در ۲ آوریل ۲۰۱۴) تعهد کارمندان دولت در اطلاع دادن موضوع اخذ تابعیت دوم به کارفرما یا نماینده‌ی او در روز پذیرش را پیش‌بینی کرده و قرارداد استخدومی با کارمندان دولت فسخ می‌گردد (ماده ۴۱ قانون اساسی).<sup>۱۲</sup> تحولی که در حقوق روسیه در سال اخیر رخ داده و منحصر به فرد می‌باشد، جرم انگاری عدم تابعیت مضاعف در روسیه می‌باشد. در واقع بر طبق قوانین اخیر روسیه، کسانی که دارای تابعیت یک یا چند کشور دیگر می‌باشند، باید این مسئله را به اداره مهاجرت اطلاع دهند و در غیر این صورت با مسئولیت‌های کیفری مواجه خواهند شد، لازم به ذکر است که

<sup>۱۱</sup>- قانون فدرال ۲۰۱۶/۵/۲۵ شماره ۱۲۸ "درباره‌ی ایجاد اصلاحات در عملکردهای مجزای قانونی فدراسیون روسیه در بخش شفاف سازی مطالبات برای اشغال پست‌های دولتی و شهرداری" // روزنامه‌ی روسیه. - ۲۰۰۶. ش. ۴۱۲۸

<sup>۱۲</sup>- قانون فدرال ۲۰۰۴/۷/۲۷ شماره ۷۹ "درباره‌ی خدمات شهروندی دولتی فدراسیون روسیه" (ویرایش ۲۰۱۴/۲/۴) // جلسه قانون فدراسیون روسیه. - ۲۰۰۴ - شماره ۳۱. - ماده ۳۲۱۵.

مدت زمان اطلاع دادن تابعیت مضاعف طی سال جاری به پایان خواهد رسید و لایحه جرم انگاری آن در فرآیند تصویب می باشد. لذا از شرح مفصل آن خودداری می شود.<sup>۱۳</sup>

### راه‌های ایجاد تابعیت مضاعف و سیاست‌های حقوقی دولت روسیه

تابعیت مضاعف عمدتاً از راه‌های مختلفی حاصل می‌شود که در زیر به هریک از آنها خواهیم پرداخت و به سیاست حقوقی - تابعیتی روسیه پرداخته می‌شود.

#### الف- کسب تابعیت بدون از دست دادن تابعیت قبلی و حقوق تابعیتی روسیه

در فدراسیون روسیه چنین موقعیتی زمانی رخ می‌دهد که برای کسب تابعیت جدید امکان حفظ تابعیت قبلی وجود داشته باشد و یا در مواردی که شخص قبل از کسب تابعیت جدید، اقدامات لازم برای خروج از تابعیت قبلی را تکمیل نکرده باشد. گرچه در بعضی از کشورها مثل ایالات متحده آمریکا، خود مقوله پذیرش تابعیت جدید منجر به از دست دادن تابعیت قبلی خواهد شد. در حال حاضر در کسب تابعیت روسیه الزامی برای انصراف از تابعیت خارجی وجود ندارد. در ۱۰ آوریل ۲۰۰۲، مجلس روسیه قانون فدرالی "درباب شهروندی روسیه فدرال" را به تصویب رساند. پیش نویس این قانون توسط رئیس جمهور ولادیمیر پوتین تقدیم مجلس شد. در ۱۵ ماه می ۲۰۰۲ مجلس علیای پارلمان روسیه - هیات فدرال - قانون شهروندی را تصویب کرد و در ۳۱ ماه می ۲۰۰۲ قانون جدید شهروندی روسیه توسط رئیس جمهور روسیه امضا شد (و در اول جولای ۲۰۰۲ به اجرا درآمد). قانون شهروندی ۲۰۰۲ روسیه جایگزین قانون پیشین شهروندی ۱۹۹۱ شد. بنابراین فصل جدیدی در توسعه دکتترین شهروندی روسیه آغاز شد. چندین دلیل وجود داشت که چرا قانون شهروندی جدید به تصویب رسید. نخست، لازم بود قانون شهروندی داخلی با استاندارد قانون اساسی هماهنگ باشد. قانون اساسی سال ۱۹۹۳ روسیه موجب ایجاد برخی نوآوری‌های قانونی شد از جمله عدم به رسمیت شناختن شهروندی جمهوری خواه. بنابراین، قید شهروندی جمهوری خواهان روسیه فدرال در قانون شهروندی ۲۰۰۲ گنجانده نشده بود. در نهایت قانونگذاران روس طرح تابعیت مضاعف را حذف کردند. ثانیاً، لازم بود چند قید از قانون شهروندی سال ۱۹۹۱ حذف شود که این قیود کهنه و غیرقابل اجرا بودند. همچنین از لحاظ

<sup>۱۳</sup> Ibid.

سیاسی اینطور به صلاح بود که محدودیتهای بر این امر اعمال کنند که مردم قادر بودند شهروندی روسیه (برای مثال از طریق ازدواج) را به دست آورند. نهایتاً، در ۶ نوامبر سال ۱۹۹۷، روسیه کنوانسیون اروپایی تابعیت را امضا کرد که به موجب آن قانون جدید تابعیت در روسیه اجرا می‌شد.

به موجب قانون فدراسیون روسیه هر شهروند روسی از حقوق زیر برخوردار می‌باشد:

۱. اصول شهروندی فدراسیون روسیه و مقررات مربوط به امور تابعیت فدراسیون روسیه نباید شامل مقرراتی باشند که حقوق شهروندی را به دلیل تعلقات اجتماعی، نژادی، قومی، زبان یا مذهب، محدود می‌کنند.
۲. شهروندی فدراسیون روسیه، صرفنظر از اساس کسب آن مجزا و برابر است.
۳. محل اقامت شهروند فدراسیون روسیه در خارج از قلمرو فدراسیون روسیه، تابعیت فدراسیون روسیه او را پایان نمی‌دهد.
۴. شهروند فدراسیون روسیه نباید از تابعیت فدراسیون روسیه یا حق تغییر آن محروم شود.
۵. یک شهروند فدراسیون روسیه به خارج از فدراسیون روسیه تبعید نخواهد شد و یا به دولت خارجی تحویل داده نخواهد شد.
۶. فدراسیون روسیه باید کسب شهروندی فدراسیون روسیه برای افراد بدون کشور مقیم در قلمرو فدراسیون روسیه را تشویق کند.
۷. مالکیت یک شخص شهروند فدراسیون روسیه یا حقیقت مالکیت قبلی شهروند اتحاد جماهیر شوروی باید بر اساس اقدامات قانونی فدراسیون روسیه، RSFSR یا اتحاد جماهیر شوروی و معاهدات بین‌المللی فدراسیون روسیه، RSFSR یا اتحاد جماهیر شوروی مشخص می‌شود، که در زمان آشکار شدن شرایطی که مالکیت شهروندی مربوط به آن شخص است، موثر است. (FEDERAL LAW, ۲۰۰۲)

## ب- ازدواج با اتباع خارجی

تابعیت مضاعف در ازدواج افرادی رخ می‌دهد که شهروندان دولتهای مختلفی باشند و کسب تابعیت همسر منوط به انصراف از تابعیت قبلی نباشد و قوانین ملی همسر، ازدواج با افراد خارجی را به منزله از دست دادن خودکار تابعیت قبلی نداند. (قانون فدرال، ۲۰۰۲) در حال

حاضر، اصل انتخاب آزادانه تابعیت توسط افراد علاقه مند جای اصل تابعیت یکسان اعضای خانواده را می‌گیرد. علاوه بر این، ضوابط مربوط به اعطای خودکار تابعیت مرد به همسرش، به عنوان نوعی تبعیض جنسیتی محسوب می‌شود (سالکفسکی، ۱۹۹۹). این موضوع در قانون فدراسیون روسیه پذیرفته شده و ازدواج مرد روس با زن غیر روسی منجر به کسب تابعیت روسی زن خواهد شد. مفاد هیچ قانون فدرالی نمی‌تواند در تناقض با قانون اساسی فدراسیون روسیه باشد. در قانون فدرال «درباره تابعیت فدراسیون روسیه» سال ۲۰۰۲، قوانین اساسی به شرح زیر گسترش می‌یابند: اذعان می‌شود که فدراسیون روسیه شهروند فدراسیون روسیه را که تابعیت دیگری نیز دارد، فقط به عنوان شهروند فدراسیون روسیه می‌شناسد. سپس قانون گذار اضافه می‌کند: «به استثناء مواردی که در قراردادهای بین‌المللی فدراسیون روسیه یا در قانون فدرال پیش بینی شده باشد». بدین وسیله قانونگذار امکان تغییر این قانون به وسیله عقد قرارداد بین‌المللی یا تصویب قانون فدرال مرتبط را پیش‌بینی می‌کند.

علاوه بر این، قانونگذار اصل بسیار مهم‌تری را مبنی بر تضمین حفظ حقوق و وظایف شهروند فدراسیون روسیه که دارای تابعیت دوم است، تصویب می‌کند: «کسب تابعیت دولت دیگر توسط تبعه فدراسیون روسیه موجب قطع تابعیت فدراسیون روسیه نخواهد شد». وضع این قانون برای کسانی اهمیت ویژه دارد که در زمان اتحادیه شوروی تابعیت خود را نه تنها به دلیل کسب تابعیت دولت خارجی بلکه حتی به خاطر ازدواج با اتباع کشورهای دیگر (چه مرد باشد و چه زن) از دست داده‌اند.

### ج- اعطای تابعیت به کودک حاصل از ازدواج اتباع دو کشور مختلف

سابقاً تابعیت کودک بر اساس تابعیت پدر او تعیین می‌شد. امروزه نیز می‌توان نمونه چنین احکامی را در قوانین بعضی از کشورها مشاهده کرد. اگر چه امروزه چنین رویکردهایی در همه جای دنیا مورد قبول همگان نیست. قوانین تابعیت در کشورهای اروپایی، ایالات متحده آمریکا و ژاپن نسبت به جنسیت افراد تفاوتی قائل نمی‌شوند و تابعیت را چه از طرف پدر و چه از طرف مادر به فرزند اعطا می‌کنند این مسئله نیز در قانون روسیه پذیرفته شده است

### د- اعطای تابعیت به کودک حاصل از ازدواج اتباع دو کشور مختلف و قانون روسیه

مطابق با قوانین روسیه، در شرایطی که والدین دارای تابعیت متفاوتی باشند و یکی از آنها در زمان تولد فرزند، تبعه روسیه باشد، مسئله اعطای تابعیت بر اساس توافقنامه کتبی آنها

صورت می‌گیرد. چنانچه چنین توافقنامه‌ای تنظیم نشود و فرزند در خاک روسیه به دنیا بیاید، تابعیت روسیه را بدست می‌آورد، در غیر اینصورت، بدون تابعیت می‌شود (بند ۲، صفحه ۱۵ قانون تابعیت).

#### و- بچه دار شدن والدین خارجی در خاک دولتی که تابعیت خاکی اعطا می‌کند

این استثناء مربوط به فرزندان خارجیانی است که در خدمت رسمی دولت خود بوده یا در سازمانهای بین‌المللی مشغول به کار هستند. در چنین شرایطی، فرزند می‌تواند همزمان تابعیت کشور محل تولد و دولتی که والدین او اتباع آنجا هستند را بدست آورد. (بلیئف و چاپلین، ۲۰۰۲) در مورد ساز و کار دریافت تابعیت روسیه، قوانین مربوط به این مسئله کاملاً مشخص است و تصویر روشنی از ساز و کار دقیق ارائه درخواست کسب تابعیت و همچنین زمانبندی و نحوه تصمیم‌گیری توسط مراجع ذیصلاح ارائه می‌شود. ساز و کار اخذ تابعیت از طریق تولد در روسیه به قوت خود باقی مانده است: قانونگذار صراحتاً به شرح موقعیت‌هایی می‌پردازد که در آنها کودک بواسطه تابعیت والدین خود، تابعیت روسیه را بدست می‌آورد. مخصوصاً در قانون قید شده است چنانچه کودکی در خاک روسیه باشد و والدین او مشخص نباشند و در طی مدت شش ماه از زمان پیدا شدن کودک به آنها اطلاع داده نشود، این کودک می‌تواند تبعه فدراسیون روسیه شود. در این خصوص، اینکه والدین کودک، اتباع چه دولتی هستند مشخص نشده است. با در نظر گرفتن این موضوع که در قانون تابعیت مشخص نشده که چه کسی «کودک» محسوب می‌شود، مطابق با کنوانسیون حقوق کودک سال ۱۹۸۹، که فدراسیون روسیه نیز در آن شرکت دارد، افراد زیر ۱۸ سال در این گروه قرار می‌گیرند.

والدین آن دسته از اتباع مقیم روسیه که به سن قانونی نرسیده‌اند و به دلیل تعارض قوانین تابعیت (اصول "تابعیت خون" و "تابعیت خاک") دارای تابعیت دولت دیگری نیز هستند، باید ملزم شوند تا قبل از اینکه فرزند آنها به سن ۱۴ سالگی برسد، مسئله انتخاب تابعیت او را حل و فصل کنند. اگر والدین تا قبل از دریافت پاسپورت درباره تابعیت فرزند خود، بطور داوطلبانه تصمیم‌گیری نکنند، فقط در شرایط زیر تابعیت کشور روسیه به فرزند آنها اعطا می‌شود: (۱) بطور دائم در خاک روسیه اقامت داشته باشد؛ (۲) هیچ سند دیگری مبنی بر داشتن تابعیت از کشور دیگر وجود نداشته باشد. در صورتی که چنین سندی وجود داشته باشد، حتی در صورتی که شخص محل زندگی خود را در روسیه نگاه دارد، باید تصمیم به

عدم اعطای حق تابعیت روسیه به وی گرفته شود. حتی در صورت ادامه اقامت او در روسیه، احتمالاً وضعیت وی نامشخص باقی می‌ماند. نهایتاً این مشکل می‌تواند در مدت زمان یک ساله پس از رسیدن شخص به سن ۱۸ سالگی حل و فصل شود (از طریق بند اول صفحه ۱۲ قانون «درباره تابعیت فدراسیون روسیه» سال ۱۹۹۱). (۳) لازم است امکان تصمیم‌گیری نهایی درباره تعیین تابعیت فرد در طول مدت چهار سال (از ۱۴ تا ۱۸ سالگی) به عنوان حق دولت در نظر گرفته شود. در چنین شرایطی، تصور می‌رود شخصی که به سن قانونی می‌رسد ناگزیر است تابعیت خود را بین روسیه و کشور دیگر انتخاب کند. (۴) حل مشکل تابعیت مضاعف در ارتباط با افرادی که تابعیت روسیه را بر اساس قرارداد بین‌المللی دریافت کرده‌اند.

حل و فصل وضعیت افرادی که بر اساس توافقنامه، تابعیت چندین دولت را دارند (اتباع دوگانه قانونی) فقط در چهارچوب یک قرارداد بین‌المللی و از طریق تغییر یا فسخ قوانینی صورت می‌گیرد که امکان اعطای تابعیت مضاعف را ایجاد می‌کنند. در شرایط حاضر، ماده ۱۵ قانون اساسی فدراسیون روسیه و احکام ماده ۲۷ کنوانسیون وین درباره حقوق قراردادهای بین‌المللی در سال ۱۹۶۹ به دولت روسیه هیچ شانسی نمی‌دهند تا بتواند این مسئله را بطور مستقل و بدون در نظر گرفتن موقعیت طرف مقابل حل و فصل کند.

در خصوص این اصل در تابعیت مضاعف و هیچ کس نمی‌تواند همزمان در دو کشور به خدمت برود، علی‌الخصوص در شرایطی که آنها در وضعیت جنگی با دولتهای دیگر باشند و یا با یکدیگر وارد جنگ شوند دولت روسیه اصل وفاداری را مورد توجه قرار می‌دهد.

#### ه- اصل وفاداری به عنوان یکی از راهای کسب تابعیت مضاعف در روسیه

در نیمه اول قرن بیستم حقوقدانها، وفاداری را به عنوان کلی‌ترین مفهوم تعهدات فرد در ارتباط با دولتی که حق شهروندی آن را دارد می‌دانستند. همین موضوع برای فردی که تابعیت یک دولت دیگر را داشت موضوع "وفاداری ناکافی" را مطرح می‌کرد. علی‌رغم عدم وضوح قانونی موجود در مفهوم وفاداری، این کلمه تقریباً در همه‌ی دولتها به عنوان ویژگی اصلی شهروندی در نظر گرفته می‌شود. در فدراسیون روسیه در ارتباط با افراد دارای تابعیت مضاعف برخی محدودیت‌ها برای اتخاذ سمت‌های دولتی پیش‌بینی شده است. مشکلات حمایت دیپلماتیک از افراد دو تابعیتی اساساً ریشه در هنجارها و آداب و رسوم



حقوق بین‌المللی دارد. در گفتمان حقوقی علمی این مسئله در مورد افراد دارای تابعیت مضاعف مطرح است که آیا باید به دنبال راه‌حل‌های پیشگراانه در ارتباط با حمایت سیاسی از افراد دارای دو تابعیت باشیم و یا به همین راه‌های غیرقانونی در خاک کشورهای خارجی که تا به حال نیز استفاده می‌شدند، بسنده کنیم. ( کالادکین، ۲۰۰۷: ۱۱۷)

### راه‌های ایجاد تابعیت مضاعف در ایران

پیدایش تابعیت مضاعف در ایران متأثر از علل و عوامل گوناگونی است که هر یک در ظهور این پدیده نقشی موثر داشته است.

#### الف- اختلاف طرز تفکر دولت‌ها راجع به تحصیل تابعیت

این مورد مهمترین علت تابعیت مضاعف است. اگر کلیه دولت‌ها یک سیستم خاک یا سیستم خون را اعمال می‌کردند فروض زیادی برای پیدایش تابعیت مضاعف نبود ولی از آنجا که هر دولتی بر وفق مصالح خود ترتیبی اتخاذ می‌کند و دولت‌ها عموماً به یک سیستم و به یک نحو عمل نمی‌نمایند به ناچار تابعیت مضاعف پیدا می‌شود (نصیری، ۱۳۷۵، ۴۱). بنابراین نبودن قاعده‌های الزام‌آور بین‌المللی در تعیین تابعیت اشخاص در واقع دولت‌ها و محول بودن آن به قانون‌گذاری‌های داخلی و استقلال آن قانونگذاری‌ها در برابر یکدیگر عامل اصلی ایجاد تابعیت مضاعف می‌باشد (سلجوقی، ۱۳۸۰: ۶۴). برای مثال بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م. مقرر می‌دارد: کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند ایرانی محسوب میشوند. حال چنانچه این طفل در کشوری مانند انگلستان به دنیا آمده باشد که سیستم خاک را پذیرفته است تعارض تابعیت پیش می‌آید زیرا دولتین ایران و انگلستان هرکدام طفل مزبور را تبعه دولت خود میدانند.

#### ب- تحصیل تابعیت جدید بدون خروج از تابعیت اولی

اشخاصی که بدون اطلاع کشورهای متبوع خود، تابعیت جدیدی را تحصیل می‌نمایند، موجب می‌گردند که تابعیت مضاعف پیدا نمایند. مثلاً اگر یک ایرانی بدون در نظر گرفتن ماده ۹۸۸ قانون مدنی ایران و خروج از تابعیت ایران، اقدام به اخذ تابعیت جدید کشوری بیگانه نماید، معضل تابعیت مضاعف ایجاد می‌شود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۴: ۳۶).

### ج- ازدواج با اتباع خارجی

اگر در عقد ازدواج بین زن و مردی که دارای تابعیت‌های جداگانه هستند، مملکت متبوعه زن تابعیت اصلی را برای او حفظ کند چنین زنی دارای دو تابعیت می‌شود. چنانکه در مورد ازدواج یک زن تبعه فرانسه با مرد ایرانی، زن از یک طرف به مقتضای بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ایرانی محسوب می‌شود و از طرف دیگر مقررات قانون تابعیت فرانسه اصولاً تابعیت فرانسه را برایش محفوظ می‌دارد (نصیری، ۱۳۷۵، ۴۲). براساس ماده ۹۸۷ ق.م. در صورتی تابعیت زوج خارجی برزن ایرانی تحمیل می‌شود که مطابق قانون مملکت زوج تابعیت ایرانی خواهد داشت.

### د- اشغال نظامی

اشغال و تصرف نظامی یک کشور توسط کشور متحارب، عامل ایجاد تابعیت مضاعف می‌باشد برای مثال دو ایالت آلاس و لرن واقع در شمال شرقی فرانسه در طی جنگ جهانی اول توسط آلمان تصرف شد و فرانسویان مقیم در دو ایالت مذکور بدون از دست دادن تابعیت فرانسوی خود، تابعیت جدید آلمانی را اخذ کردند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۴، ۳۷).

### ن- مهاجرت نخبگان از ایران

بر اساس یک نظریه (نظریه مهاجرت ژن‌ها) در فرایند مهاجرت نخبگان و متخصصان، نه تنها نخبگان که ثروت ملی کشور به شمار می‌آیند از دست می‌روند بلکه پس از گذشت قرن‌ها از نظر ژنتیکی کشورهای نخبه‌پذیر (مقصد) به جوامع نخبه تبدیل خواهند شد و درصد ژن‌های هوشمند آنها به شکل گسترده‌ای افزایش می‌یابد. مهاجرت نخبگان در ایران تا پایان جنگ جهانی دوم سرنوشت و ماجرابی مشابه دیگر کشورهای جهان سوم دارد؛ اما پس از جنگ جهانی دوم، این جریان در مسیری تازه قرار گرفت. فرار مغزها از ایران با تأخیر نه چندان زیاد نسبت به کشورهای کم‌توسعه آغاز شد. اعزام محصل به کشورهای خارجی و آمریکا به طور منظم و جدی آغاز شد و رشد اقتصادی یکی از هدف‌های خود را متوجه تربیت متخصصان نمود تا دوام و رشد برنامه‌های توسعه تضمین شود. ترکیب عمده‌ی مهاجران متخصص از افراد زیر تشکیل شده است: دانشجویان دارای سهمیه‌ی ارزی - دانشجویان آزاد، نخبگان المپیادها و رتبه‌های اول کنکورهای سراسری دانشجویان بورسیه‌ی اعزامی به خارج از کشور که بعد از فراغت تحصیل باز نگشته‌اند؛ متخصصان، استادان و محققان به

خاطر مسائل سیاسی و احساس ناامنی، به دلایل علمی، تخصصی، فرهنگی و اقتصادی کشور را ترک کرده‌اند (سایت مرکز هم‌اندیشی و نخبگان دانشگاهی، ۱۳۹۰). مهاجرت سرمایه‌های انسانی و به ویژه نیروی انسانی متخصص و تحصیلکرده، سهمگین‌ترین ضربه‌ای است که می‌تواند بر پیکره یک اقتصاد وارد شود؛ زیرا ارکان اصلی پیشرفت و اقتدار آن را از بین می‌برد. مهاجرت دو عامل اصلی دارد که یکی مربوط به کشور مبدا و دیگری مربوط به کشور مقصد می‌شود و عوامل فشار (یا رانش) موجود در کشور مبدا عوامل جذب موجود در کشورهای مقصد (همان منبع). براساس آمارهای موجود سالانه هزاران دانش‌آموخته دانشگاهی از کشور خارج می‌شوند که بنابر اعلام صندوق بین‌المللی پول، خروج این حجم کلان از سرمایه‌های انسانی معادل خروج ۱۱ میلیارد دلار سرمایه از کشور است. بر این اساس، کشور ایران همراه با سه کشور کره جنوبی، فیلیپین و چین تایپه در صدر کشورهای نخبه‌گریز جهان قرار دارد (ذاکری نیری، ۱۳۹۱).

#### و- مهاجرت پذیری ایران

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷: این بار گروه‌های وابسته به رژیم سابق و بسیاری از اقشار عادی مخالف حاکمیت جدید نیز مجدداً از کشور خارج و به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. همزمان با این تحول شگرف جنگ‌های اتحاد جماهیر شوروی با افغانستان و هم چنین جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹ بسیاری از شیعیان افغانستان به خصوص قوم هزاره و شیعیان عراق را به این فکر واداشت که به دلیل نزدیکی‌های فرهنگی مذهبی و زبانی که به کشور همسایه‌شان ایران احساس می‌کردند به ایران مهاجرت نمایند. جایگاه مهاجرت در ایران در بین ۲۲۴ سرزمین در دنیا در طی سال ۲۰۰۳ برابر با ۱۶۷ است که گویای مهاجرت نسبتاً زیاد انجام شده در این کشور است. از نظر تعداد کل پناهنجویان در ایران نیز با ۱/۹۳۱۳۰۰ نفر در بین ۱۱۰ کشور پناهنده‌پذیر، رتبه نخست را احراز کرده است (هدایت، ۱۳۶۹: ۶۳). مهاجرت اتباع این کشورهای همسایه از جمله عراق و افغانستان به ایران پیامدهای حقوقی را نیز به دنبال داشته است. حال با این توضیحات می‌توان پیامدهای تابعیت زن ایرانی در صورت ازدواج بایک تبعه خارجی چون افغانستان، عراق و دیگر کشورها را در محدودیت در تملک اموال؛ در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، را طبق تبصره ۲ ماده ۹۸۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۶۱، ندارد و سبب محرومیت از حقوق سیاسی؛ مانند: شرکت در انتخابات یا انتخاب شدن در مناصب سیاسی و

قضایی و تبعیت در احوال شخصیه از کشور متبوع و احتمال بروز تابعیت مضاعف (در صورتی است که قانون کشور زوج، تابعیت شوهر را به زن تحمیل نکند و زن ایرانی تابعیت خود را محفوظ دارد و زن از طرق «اقامتگاه» یا «سیستم» و «خاک» تابعیت زوج را تحصیل نماید؛ زن شوهردار می‌تواند دارای تابعیت مضاعف شود (منطقی، ۱۳۸۳).

### تحلیل وضعیت تابعیت مضاعف در حقوق ایران و روسیه

بررسی قانون تابعیت در روسیه نشان می‌دهد که تابعیت مضاعف به رسمیت شناخته می‌شود و در روسیه دارای دو تابعیت های فراوانی است اما تبعات منفی تابعیت مضاعف سبب شده است. اولاً، روسیه تلاش دارد تا با عقد قراردادهای دوجانه با برخی از کشورهای استقلال یافته تا حدودی موضوع تابعیت مضاعف و عواقب سوء آن را کنترل نماید لذا در این راستا ضمن تغییرات اساسی در نظام حقوقی خود مبادرت به انعقاد موافقتنامه‌های دوجانه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نموده است. ثالثاً، گرچه نظام حقوقی روسیه تابعیت مضاعف را پذیرفته و در این راستا شاید به جرات بتوان گفت که جزء کشورهای پیش رو در پذیرش تابعیت مضاعف است اما به شدت نیز نگران عواقب امنیتی و آثار مخرب آن نیز هست لذا مدام تلاش دارد تا با تدوین قوانین مدون و به روزتر این موضوع را مورد توجه قرار دهد. از جمله از ۴ ژوئن سال ۲۰۱۴ توسط قانون فدرال شماره ۱۴۲ در ماده ۶ قانون "درباره‌ی شهروندی فدراسیون روسیه" تغییراتی ایجاد شد، که بر اساس آن اگر از شهروندان فدراسیون روسیه، به جز کسانی که به طور دائم ساکن خارج از روسیه هستند، بعضی توسط معاهده‌ی بین المللی یا قانون فدرال منظور نشده‌اند، لازم است در موعد مقرر وجود تابعیت دیگر یا سندی قانونی را که حق اقامت دائم در یک کشور خارجی را تأیید می‌کند، کتباً به مقامات دولتی مربوط اطلاع دهند. تأخیر در تهیه اطلاعیه، و همچنین انتقال اطلاعات ناقص یا به طور آگاهانه نادرست، مجازات اداری را شامل می‌شود؛ پنهان کردن وجود تابعیت دیگر مسئولیت کیفری در پی خواهد داشت این موضوع سبب شده تا بسیاری بر این عقیده باشند که تغییرات وارد شده گرچه موضع دولت را در رابطه با تابعیت مضاعف تغییر نمی‌دهند، و فقط ماهیت اطلاع رسانی جهت دستیابی شهروندان فدراسیون روسیه به تابعیت دیگر کشورها را مد نظر دارند. طبق عقیده‌ی بسیاری از مردم، قانون جدید حاکی از لغو تدریجی تابعیت دوگانه در فدراسیون روسیه است (کارچنکووا، ۲۰۱۴: ۵). ثالثاً، برخی از مواد قانون مدنی ایران در باب تابعیت از جمله عوامل حقوقی ایجاد کننده

تابعیت مضاعف در ایران می‌باشد و در مقابل، پذیرش تابعیت مضاعف در قوانین روسیه و انعقاد معاهدات دوجانبه در این زمینه با جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی سابق عامل حقوقی پیدایش تابعیت مضاعف در روسیه می‌باشد، اما از نظر سیاسی و اجتماعی باید گفت نوع رژیم حاکم در هر دو کشور و فشار به فعالین مدنی و تحدید آزادی‌های عمومی عامل مشترک در تلاش اتباع هر دو کشور برای کسب تابعیت مضاعف و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اعطای تابعیت به منظور توسعه طلبی ارضی، وجه تمایز این دلایل بین روسیه و ایران می‌باشد. رابعاً، در ماده ۹۸۲ قانون مدنی ایران آمده است که «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند: رئیس جمهور و معاونین او، عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه، وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری، عضویت در مجلس شورای اسلامی، عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر، استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و یا ماموریت سیاسی، قضاوت، عالی‌ترین رده فرماندهی ارتش و سپاه و نیروی انتظامی، تصدی پستهای مهم اطلاعاتی و امنیتی» نکته بسیار قابل توجه این است که در ماده ۹۸۱ مبنی بر شرایط اکتساب تابعیت ایران و ماده ۹۸۳ قانون مدنی در خصوص مدارک و شرایط لازم هیچ اشاره‌ای به ترک تابعیت اصلیه توسط متقاضی نگردیده است. بنابراین در مقایسه مواد ۹۸۲ و ۹۸۹ برای افراد مشابه (تابعیت مضاعف) حساسیت اصلی قانون مدنی نسبت به احراز پست‌های کلیدی و مقامات دولتی قابل دریافت است. لذا می‌توان با توجه به هدف اصلی که حفظ صیانت کشور و عدم تسلط بیگانه بر امور داخلی است می‌توان نتیجه گرفت که بحث «مبارزه با دو تابعیتی‌ها» موضوع جدیدی نبوده و قانون ایران تابعیت مضاعف را نپذیرفته است در عین حال آن را نامشروع نیز ندانسته است و نسبت به آن انعطاف نشان داده است چنانچه بسیاری از هموطنان ایرانی‌ها علاوه بر حفظ تابعیت ایرانی خود، تابعیت دولت جدیدی را نیز کسب کرده‌اند آزادانه و بدون درخواست ویزا به کشور خود رفت و آمد می‌کنند و دارای اموال غیرمنقول در ایران هستند.<sup>۱۴</sup>

تحلیل نقاط اشتراک و افتراق دو سیستم حقوقی ایران و روسیه در خصوص وضعیت

#### تابعیت مضاعف

<sup>۱۴</sup>- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به باهری و عطار، بررسی آثار تابعیت مضاعف و راه‌های پیشگیری از آن و عباسی و بداغی، حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی.

با بررسی این مقاله در قالب «بررسی تطبیقی تابعیت مضاعف در قانون فدراسیون روسیه و ایران و راه‌های کسب آن» می‌توان نتایج زیر را برشمرد:

الف- قانون روسیه در مورد تابعیت مضاعف نسبت به قوانین بسیاری از کشورهای خارجی از جمله اروپا، حاوی هنجارهای مشابه و گاهی بیشتر لیبرال است این در حالی است که نظام حقوقی ایران قوانینی سخت گیرانه ارائه داده است و کسب تابعیت مضاعف را به مثابه از دست دادن تابعیت اول لحاظ نموده است

ب- یکی دیگر از مهمترین تفاوت میان علل حقوقی پیدایش تابعیت مضاعف در ایران و روسیه، پذیرش تابعیت مضاعف در قوانین روسیه و عدم پذیرش آن در قوانین ایران می‌باشد

ج- ایران و روسیه در صد سال اخیر تحولات متفاوتی را تجربه نموده اند، اما ساختار سیاسی اجتماعی دو کشور شباهت هایی با یکدیگر دارند که در نتیجه نوع حکومت در هر دو کشور و فعالیت های آن ایجاد گردیده است. بر این اساس تفاوت اساسی در خصوص ایجاد تابعیت مضاعف در نتیجه تحولات پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در روسیه بوده، امری که در ایران مصداق نداشته است. در مقابل، وجود ساختار بسته قدرت سیاسی در برخی از شرایط تاریخی خاص دو کشور، فشار به فعالین جامعه مدنی و مهاجرت های اقتصادی برای کسب وضعیت بهتر اقتصادی، عامل مشترک در ایجاد تابعیت میان دو کشور بوده است.

د- آنچه تفاوت بارز دو نظام حقوقی ایران و روسیه در حوزه تابعیت مضاعف را نشان می‌دهد این است که، شخصی دارای تابعیت مضاعف است که در کنار تابعیت فدراسیون روسیه، تابعیت کشور دیگری را داشته باشد، اما به شرطی که قرارداد بین المللی متناسب بین

روسیه و آن کشور منعقد شده باشد. اگر چنین توافقی وجود نداشته باشد، شخص منحصراً شهروند فدراسیون روسیه محسوب می‌شود. این نتیجه‌گیری از تحلیل مشترک ماده ۶۲ قانون اساسی فدراسیون روسیه و ماده ۶ قانون «درباره تابعیت» حاصل می‌شود. درباره این بُعد می‌توانید از مقاله «تفاوت دو تابعیت و تابعیت مضاعف» با جزئیات بیشتری اطلاعات کسب کنید. در صورتی که قانون‌گذاری در ایران عملاً تابعیت مضاعف را نپذیرفته است تا مبادرت به انعقاد توافق بین‌المللی یا دوجانبه با دیگر کشورها در حوزه تابعیت نماید.

و- نقطه مشترک در قوانین مربوط به تابعیت مضاعف در دو کشور روسیه و ایران رویکرد اساساً منفی آنها نسبت به افراد دارای دو تابعیت است. علاوه بر این تابعیت مضاعف در کشور روسیه به عنوان پیامد اجتناب‌ناپذیر جانشینی روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است و از طریق امضای قراردادهای بین‌المللی مشروعیت پیدا می‌کند. در ایران قوانین قومی و اولویت‌های قومی-میهنی از عوامل وجود تابعیت مضاعف در این کشور هستند

### نتیجه‌گیری

اولاً، نظام حقوقی روسیه تابعیت مضاعف را پذیرفته و در این راستا شاید به جرات بتوان گفت که جزء کشورهای پیش‌رو در پذیرش تابعیت مضاعف است اما به شدت نیز نگران عواقب امنیتی و آثار مخرب آن نیز هست لذا مدام تلاش دارد تا با تدوین قوانین مدون و به روزتر این موضوع را مورد توجه قرار دهد. **ثانیاً؛** قانون روسیه در مورد تابعیت مضاعف نسبت به قوانین بسیاری از کشورهای خارجی از جمله اروپا، حاوی هنجارهای مشابه و گاهی بیشتر لیبرال است. همان‌طور که دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه در تعریف ۴ دسامبر ۲۰۰۷، شماره ۷۹۷-۰-۰ اشاره کرده، از آن‌جا که یک شهروند فدراسیون روسیه

که تبعه‌ی یک کشور خارجی است، همزمان با فدراسیون روسیه و دولت خارجی مربوطه رابطه‌ی سیاسی-حقوقی دارد که برابر آن‌ها وظایف قانون اساسی و دیگر وظایف برگرفته از قوانین کشور خارجی مذکور را عهده‌دار است، لذا اهمیت تابعیت فدراسیون روسیه به عنوان مظهر سیاسی-حقوقی ارزش رابطه با میهن، عیناً کاهش می‌یابد اما در ایران علیرغم اینکه دیدگاه نظام حقوقی ایران به تابعیت مضاعف مثبت نبوده و به صراحت آن را نمی‌پذیرد ولی علیرغم این سخت‌گیری در خصوص نپذیرفتن تابعیت مضاعف ایران با حجم عظیمی از افراد دو تابعیتی روبه‌رو می‌باشد که در این وضعیت قانون و نظام حقوقی ایران فاقد کارآمدی و از نوعی درماندگی رنج می‌برد و آن هم ناشی از عدم توجه به حقوق دادان خبره در تحول نظام حقوقی تابعیتی می‌باشد. در مقام مقایسه نظام حقوقی ایران و روس بیشتر تفاوت‌ها در نوع نگاه قوانین این دو کشور در خصوص تابعیت مضاعف به چشم می‌خورد تا اشتراکات. روسیه تابعیت مضاعف را می‌پذیرد و مدام قوانین حقوقی خود را در این راستا به روز می‌کند در حالی که ایران تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد اما با جمع کثیری از دو تابعیت‌ها روبه‌رو است و راهکار حقوقی مناسبی برای این موضوع ندارد. لذا در این راستا پیشنهاد می‌شود تا ضرورت تجدید نظر نسبت به قوانین و مقررات مربوطه به تابعیت و تابعیت مضاعف بخصوص در ماده ۹۷۶ قانون مدنی لحاظ شود علاوه بر آن لزوم توجه به قوانین بین‌الملل و به روز نمودن قوانین ایران ضرورتی اجتناب ناپذیر است در صورت تحقق این امر می‌توان از فرار مغزها از کشور جلوگیری می‌شود و زمینه‌های سرمایه‌گذاری علمی و فنی صاحبان علوم و فنون مختلف را در کشور فراهم می‌گردد.

### منابع

- نصیری، محمد؛ (۱۳۷۵) حقوق بین‌المللی خصوصی، جلد های ۱-۲، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.



- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸) مبسوط، ج ۱، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
- خلعتبری، ارسلان؛ (۱۳۱۶) حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، تهران، چاپخانه روشنائی.
- شیخ الاسلامی، سید محسن؛ (۱۳۸۴) حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- بلدسو، رابرت، بوسچک؛ (۱۳۷۵) فرهنگ حقوق بین‌الملل، مترجم: بهمن آقائی، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- آل کجیاف، حسین. (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل خصوصی، انتشارات جنگل، جاودانه.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج اول و دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات پایدار.
- کالادکین، ر. آ. (۲۰۰۷) مسائل مربوط به حمایت دیپلماتیک، مجله حقوق بین‌المللی مسکو، شماره ۱.

- سلجوقی، محمود. (۱۳۸۰). بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- هدایت، محمود. (۱۳۶۹). اثرات مهاجرت‌های خارجی در ایران، دفتر جمعیت و نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه.

- منطقی، مرتضی. (۱۳۸۳). بحران‌های هویتی در جوامع در حال گذار، مجموعه مقالات مبانی نظری هویت و بحران هویت، پژوهشگاه علوم انسانی، جهاددانشگاهی ۱۳۸۳.
- ن. کارچنکووا. (۲۰۱۴) گذرنامه‌های خارجی در خارج از کشور پنهان می‌شوند // کامرسانت .

#### سایت‌ها و قوانین

- سایت مرکز هم‌اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی ([hamandishi.net](http://hamandishi.net)). کد خبر: ۲۱۶۴۹۳- تاریخ انتشار: ۱۳ دی ۱۳۹۰ - ۱۶:۲۵ - January ۲۰۱۲۰۳

<sup>۱</sup> - ذاکری نیری، علی. (۱۳۹۱). کارشناس ارشد اقتصاد بانک کارآفرین - چهارشنبه ۸ آذر ۱۳۹۱، روزنامه دنیای اقتصاد کد، ۲۱۸۵۹۵ ([www.donyaeeqtasad.com](http://www.donyaeeqtasad.com)) .

- قانون فدرال "تابعیت فدراسیون روسیه" به تاریخ ۳۱ می سال ۲۰۰۲ و به شماره F۳-۶۲ (با تغییرات و اضافات به تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۰۳). مجمع قانون گذاری فدراسیون روسیه. سال ۲۰۰۲، شماره ۲۲، صفحه ۲۰۳۱؛ روزنامه دولتی راسیسکایا گازتا، ۱۴ نوامبر ۲۰۰۳.
- تفسیر پیش نویس کنوانسیون ملیت // ضمیمه‌ی ویژه‌ی مجله بین المللی حقوق بین الملل.
- ۱۹۲۹. - جلد. ۲۳. - شماره ویژه .

### منابع لاتین

- Lohr, Eric. (۲۰۱۱), 'Vladimir M. Gessen's Theory of Poddanstvo (Subjecthood/Citizenship)'. Research Papers of the Davis Center for Russian and Eurasian Studies in Harvard University, (available at: [http://daviscenter.fas.harvard.edu/seminars\\_conferences/LOHR.pdf](http://daviscenter.fas.harvard.edu/seminars_conferences/LOHR.pdf)), (Accessed on: 12/8/1398)
- Gessen, Vladimir Matveevich. (۱۹۰۹), 'Subjecthood, its acquisition and termination'. St.Petersburg.
- Ivanovskii. (۱۹۱۰), 'New theory of subjecthood'. St. Petersburg: Tip. M.M. Stasiulevich, pp: ۱۲
- Korkunov, Nikolay Mikhailovich. (۱۹۰۸), 'Russian State Law', Vol.۱. ۶th edition. St. Petersburg: Tip. M.M. (available at: <http://archive.org/stream/russkoegosudars۰۱korkgoog#page/n۶/mod/e/۱up>), (Accessed on: 5/8/2019)
- Полтораков А.Ю. (۲۰۱۳) ПРОБЛЕМА ДВОЙНОГО ГРАЖДАНСТВА КАК ПОЛИТИКО-ПРАВОВОЙ ВЫЗОВ СОЦИОГУМАНИТАРНОЙ БЕЗОПАСНОСТИ/ Право и политика ۸ (۱۶۴) (available at: [https://nbpublish.com/library\\_get\\_pdf.php?id=25293](https://nbpublish.com/library_get_pdf.php?id=25293)), (Accessed on: 15/9/2018)
- См. Рубач Л., (2006) Мілорава М., Коцюба В. Громадянство: набуття та припинення / Центр правових досліджень Фурси. . К. : Видавець Фурса С.Я.